



صغاریان

شاید خلیفه عباسی، هیچگاه گمان نمی کرد که پس از ظاهران، مردی به نام یعقوب لبت صفار که خود را از دودمان ساسانیان می دانست، دوباره علم استقلال خواهی ایرانیان را برافرازد و حکومت وسیع تری از ظاهران در بخش هایی از سرزمین ایران بزرگ را تشکیل دهد. صفاریان چند کار مهم سیاسی و فرهنگی را رقم زدند و آغازگر راهی بودند که به جایی سرزمین ایران از سرزمین های خلافت عباسی، در دو قرن چهارم و پنجم انجامید. صفاریان از عیاران سبستانی بودند و جنبش خود را از حدود سال های ۲۳۵ خورشیدی آغاز کردند و با قیام و فرودهای بسپار تا حدود سال های ۳۴۵ خورشیدی به صورت محدودی در سیستان ادامه حیات دادند. حکومت صفاریان چند مستورد بسیار مهم دانست. یعقوب لبت در ایجاد نظامی و سیاسی، نخستین ایرانی تبار استقلال خواهی بود که در برابر خلافت عباسی ایستاد و اگر چه شکست خورد، اما برای آتش بغداد، شمشیر کشید. این سلسله از نظر زواری و فکری، ایست و اقتدار عباسیان را شکافت. در بعد فرهنگی نیز صفاریان برای نخستین بار به طور کامل رومی، زبان فارسی را احیا کردند و به آن بهای بسیار زیادی دادند. این موضوع موجب شد که ایرانیان در ایجاد هویتی شان در قرن چهارم و پنجم، توانا تر عمل کنند و بر غنای تمدن اسلامی افزوده شود. از مهم ترین حاکمان دودمان صفاریان می توان به یعقوب لبت و برادرش، عمرو لبت و ظاهر بن محمد اشاره کرد. این نکته را هم باید افزود که صفاریان عملاً پس از مرگ عمرو لبت و رو به زوال رفتند و حکومتشان اندک اندک محدود به سیستان شد.

علی بهرامی بارها بر اساس پیش آمده که اساسی سلسله های حکمران بر کشورمان را در دوران مختلف تاریخی می خوانستیم بدانیم، اما فرصت نشده یا گاهی در باره آن ما پرسیده اند، توک زبانتان بوده اما نتوانستیم آن را بیان کنیم. به احتمال زیاد شما هم با این سلسله مواجه شده اید. شاید از شما هم پرسیده باشند که چه سلسله ایرانی در برابر مغلان شکست خوردند؟ یا منلا اسکانیان پیش از هخامنشیان حکومت کردند تا پس از آنها؟ به هر حال ما می خواهیم خیلی سریع و مفید، شما را با سلسله های حکومتگر کشور عزیزمان ایران در دو دوره پیش و پس از اسلام آشنا کنیم تا تکلیف برای همیشه خالصان بابت دانستن آن راحت شود. در ادامه، بخش این مطلب را بخوانید.

کمی در باره حکومتگران تاریخ سرزمین پهناور ایران بدانیم (بخش دوم) علم، فرهنگ و شمشیر چگونه به کار رفتند؟



آزبان (ایرانیان)

با شروع قرن چهارم در نواحی پسرستان، خاندان زبانیان با رهبری برادر کوچک خود، کار خود را در حوزه حکومتگری بر ایران آغاز کردند در زمانی که مروج، علم استقلال ایران از خلافت عباسیان را بر داشت. از ظاهران جز زبانیان که باقی نمانده بود هر دو به حکومت های محلی و بسیار محدود در منطقه خوزستان در سیستان و خراسان تبدیل شده بودند در عوض. دوران زبانیان، زمانه عری نامام سامانیان و لدنی بعد آل بویه با بوییان بود. به عبارت دیگر، زبانیان حکومتگرانی که میانه جغرافیایی ایران محسوب می شدند که سلفان در شرق و شمال شرقی و بوییان در مرکز و غرب و شمال غربی آنها را احاطه کرده بودند. اگر چه زبانیان سبزی زبانی در احوای هونت ایرانی در برابر هونت عباسیان نداشتند اما مدت زمان اندک حکومتشان و همچنین فوت دودمان حکومت سلطانی و آل بویه به آنها اجازه نداد، بیوفقیبت خاصی به دست آورند. با این حال زبانیان به تشیع توجه خاصی داشتند و فرهنگ شیعی را تا حدی حمایت می کردند. همچنین در گرگان و مازندران، پادگاری های چون گنبد قابوس را نیز بر جای گذاشتند. سه حکم مشهور این خاندان به تر نیب عبارت بودند از: مروج، وشمگیر و قابوس.



آل بویه (بوییان)

هر چه آل زبانی در وسیع کردن حکومتشان در ایران بزرگ آن زمان، توان آل بویه توانستند حکومت بسپار مقدر و توانایی ایجاد کنند. آنها بغداد را هم تصرف کردند و عملاً حکومت عباسیان را دست نشانده خود ساختند. بوییان از خاندان های شهر و بسیار قدیمی منطقه گیلان بودند که توانستند بعد از سال هفتاد و پنج راند جهان اسلام، سمت دهند و عملاً بسپار حکومت ایجاد کنند. تا بعد از قیام اخنقاری و عباسی علویان و ضعیهان در شرایطی عالی و برابری به گزای فرهنگی، علمی و مذهبی شان بر بازند. حکومت آل بویه تا کارگزارهای مدینه، ایزد پیش رفت و تنها خراسان در دست ساسانیان بود. بوییان نزدیکه ۲۰۰ سال و زوال های نخستین قرن چهارم هجری تا حدود سال های ۴۴۰ هجری حکومت کردند. در دوران بوییان، لبت سبستم حکومتی خلافت به شیوه اموی و عباسی کامل فرو ریخت و همین امر زمینه ساز احیای سبستانی، صفاریه بیک نام و نشر ریافت، به حیات خود ادامه دهند. بوییان نیز زبانیان تا گنبد بسپار زبانی داشتند و علاوه بر احوای تقویت شعر و آیین های شعری چون عزاداری عاشورا و محرم بر باری جشن غدیر و غیر جشن ها و آیین های بوییان. چون نوروز، جشن نیکان، جشن مهرگان و اسرار می یوزندند. بوییان برای نخستین بار پس از ساسانیان توانستند فلسطین، خوز و مدینه را به ایکندیگر متصل کنند. عمران و آبادی شهرهای ایران رشد و توسعه کتیافته های متعدد در مناطق مختلف ایران و حمایت جدی از دانشمندان علوم مختلفی چون ریاضیات، نجوم و پزشکی از بارز ترین ویژگی های حکومت آل بویه بود. مهم ترین حاکمان بوییان که در سه منطقه بوییان، جبال بوییان فارس و بوییان عراق تقسیم می شدند عبارتند از: عبدالملک، عزت الدوله، فخرالملکه و موندالملکه.



غزنویان

وقتی آل بویه در اوج قدرت بود، ساسانیان در شرق ایران بزرگ کار خوزستان را به پایان رساندند و غزنویان جاگزین آنها شدند. بوییان در واقع در نیمه دوم حکومت مقدر آل بویه، نیرویی که بر سر ایران حکومت می کرد، به گزای ساسانیان بیک غزنویان بودند. غزنویان از حدود سال ۳۴۰ هجری، حکومتشان را آغاز کردند و غزنویان در شرق ایران، سرزمینی را حاکم شدند. تاریخ جغرافیای غزنویان، ابو در دستگانه ساسانیان حکومت می کردند. آنها اندک کارگزاران را گرفت و توانستند با از بین بردن آنها تنها جاگزینشان شوند. بیک سبستمی غزنویان بودند. غزنویان، آنها شروع ایران بزرگ آن زمان را در اختیار داشتند. بیک نام فتنه هم پیش از حکومت صفاریان در آن زمان رخ داده بود. غزنویان در خراسان و سیستان و فارس و بوییان از آنها پیش روی غزنویان، قدرت هجوم و شمشیر برانگه داشتند. به نوعی از آنها پیش روی غزنویان، قدرت هجوم و شمشیر برانگه داشتند. به نوعی تسلط پیدا کردند. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که عملاً ساسانیان در حدود و سرزمین سبستم غزنویان ادامه یافتند. امروزه زوال بود، جزو فرهنگی گری و مذهب سبستانی زیاد در هندوستان. نمی توان از دستاوردهای خاصی دیگری در حکومت غزنویان نامی بود. زبان فارسی در این دوران به قوت و جهت سبستانی، سبستانی، سبستانی.